



روز ناپدید شدن رهبر شیعیان در لیبی

غیبت امام موسی صدر ۴۴ ساله شد

شنبه ۱۲ شهریور ۱۴۰۱ - ۶ صفر ۱۴۴۴ - ۳ سپتامبر ۲۰۲۲

# شهرنامه

روزنامه سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی صبح ایران



کمیل قاسمی نشان قهرمانی را تحویل گرفت

تعلق طلای المپیک به یک ایرانی پس از ۱۰ سال

سال هفتم - شماره ۲۰۱۱ - ۸ صفحه - قیمت ۲۰۰۰ تومان

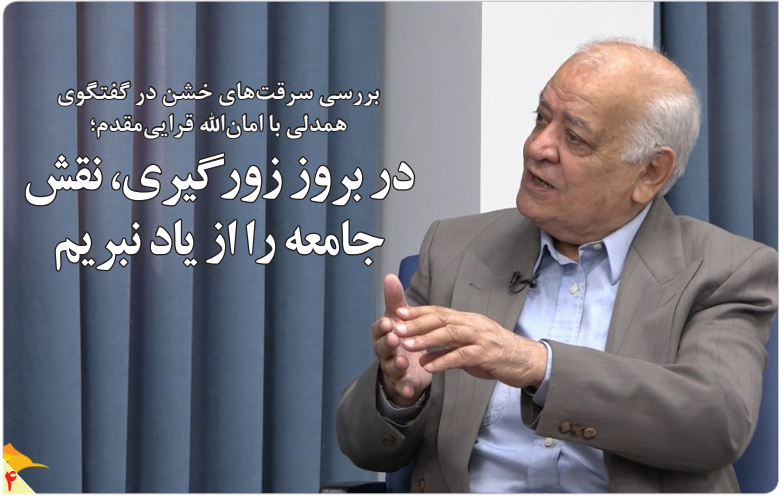
کاخ سفید، مواضع برجانی ایران را غیرسازنده دانست  
**بر خورد سردواشتگتن به پاسخ تهران**  
مدلی در ساعات پایانی پنجشنبه شب گذشته، ایران پایان روند بررسی پاسخ هفته گذشته طرف آمریکایی را اعلام کرد و از تحویل مکتوب دیدگاه‌های خود به هماهنگ‌کننده اروپایی گفت و گوها خبر داد.

«کرونا» یا «کمبود امکانات» کدامیک عامل افت تحصیلی شده‌است؟  
**سقوط معدل دانش آموزان ایران به ۱۱٫۵**  
روایت «همدلی» از بازار پروتیین که در روزهای اخیر داستان ناتمام افزایش قیمت مرغ

توسط نیروی دریایی ارتش منتشر شد  
**جزئیات توقیف دو شناور آمریکایی در خلیج فارس**  
پاسخ وزارت نیرو به گزارش همدلی درباره آب شرب همدان

## راز گشایی به شیوهی حسن روحانی

روایت رئیس جمهور پیشین از قصدش برای دیدار با ترامپ و حوادث بنزینی



بررسی سرفتح‌های خشن در گفتگوی همدلی با امان الله قراچی مقدم

در بروز زورگیری، نقش جامعه را از یاد نبریم

**سرمقاله**  
**به اسم «مردم»**  
رضا صادقیان  
روزنامه‌نگار

کاربرد برخی کلیدواژه‌ها در سخنان سیاستمداران آن‌قدر گسترده و بعضاً متناقض است که مخاطب را برای فهم موضوع ارائه شدد دچار سردرگمی می‌کند. بسامد واژه مردم یکی از آن کلمات است. شرح در همین صفحه

**یادداشت‌ها**  
**شرط جذب سرمایه‌گذاری خارجی**  
عابد مشایخ  
کارشناس اقتصادی

**فوتبال ایران در حسرت یک دهداری**  
محسن افلاکی  
روزنامه‌نگار

**از ده‌های هفت‌سر مافیای فوتبال**  
محمدعلی آقایی  
وکیل دادگستری

**عباس معروفی؛ روایت مرثیه و شکست**  
فیض شریفی  
منتقد و پژوهشگر ادبیات



واکنش گسترده مردم به درگذشت «عباس معروفی»  
**کشته‌ی غمباد غربت**

**یادداشت**  
**از ده‌های هفت‌سر مافیای فوتبال**  
محمدعلی آقایی - تا پیش از پیروزی انقلاب اسلامی اساساً فوتبال کشورمان همچون دیگر کشورهای جهان سومی و حتی برخی کشورهای اروپایی و آمریکایی، آماتور شناخته می‌شد، به این معنی که اگر مبلغی جزئی به مربیان و کادر فنی و بازیکنان پرداخت می‌شد بیشتر به‌عنوان پاداش و امانه تلقی می‌شد. در دهه‌های اول پس از انقلاب به ورزش و به‌ویژه فوتبال چندان اعتنالی نمی‌شد. حتی برخی ورزش و فوتبال را نوعی تفریح به‌جامانده از دوران طاغوت می‌دانستند. در طول جنگ تحمیلی باوجوداینکه مناطق نفت‌خیز (آبادان، اهواز، مسجدسلیمان و...) که قطب‌های فوتبال ایران شناخته می‌شدند زیر بمباران موشکی و حملات هوایی و زمینی فوتبال به محاق رفت و به‌جز در تهران و چند شهر دیگر فعالیت خاصی دیده نمی‌شد. باین‌وجود فوتبال در مناطقی از خوزستان که تا حدودی امنیت بیشتری داشت در سطح منتخب شهرستان‌ها فوتبال دنبال می‌شد. به‌رحال تا اواخر دهه هفتاد می‌شود گفت که فوتبال ایران در زمره آماتورها جای داشت و در اوایل دهه هشتاد به‌سرعت گام‌های بزرگی در مسیر حرفه‌ای شدن برداشت. پس از آن که این ورزش جذاب، توجه افکار عمومی و رسانه‌ها را به خود جلب کرد، نرم نرمک پای غیر فوتبالی‌ها یا پشتوانه گاه سرمایه‌شخصی، و گاه برخی نهادها به فوتبال باز و مسیر حرفه‌ای شدن هموارتر شد. هم‌اکنون اگرچه پول‌های کلانی در باشگاه‌های دولتی یا شبه‌دولتی و گاه محصولتی صرف می‌شود، باین‌وجود برخی کارشناسان داخلی و بین‌المللی مدعی هستند که فوتبال ما تا حرفه‌ای شدن هنوز فاصله زیادی دارد. باین‌همه در کشور ما فوتبال نیز نتوانسته است از زیر تأثیر سیاست به دور باشد و برخی تحولات آن با سیاست پیوندی عمیق دارد. همین نیمه‌شب سه‌شنبه نهم شهریورماه بود که مجمع عمومی فدراسیون فوتبال برای انتخاب رئیس فدراسیون برگزار شد و از بین قفسه‌ها نامرزد مهدی تاج با همه حرف‌و‌حدیث‌هایی که پیرامون عملکرد او در دوره قبل فدراسیون فوتبال وجود دارد، به‌عنوان رئیس فدراسیون فوتبال جمهوری اسلامی انتخابیده شد (۱) او در منصبی بازگشت که پیش‌ازاین در آن کارنامه چندچندان درخشانی از خود برجای گذاشته بود و انتقادات از عملکرد او به‌گونه‌ای است که برخی آن را تا حدودی خیار‌تاریافته دانسته و حتی قرارداد وی با «پارک ویلموتس» بلژیکی را با قرارداد ترک‌مانچای قیاس می‌کنند. حتی در همین روزهای اخیر مقامات دیگری چون کمیسیون ورزش و جوانان مجلس شورای اسلامی و برخی از مدیران قضایی با لحن شدیدی عملکرد او را نامطلوب ارزیابی کردند. اکنون این انتخاب سوالات متعددی پیش روی مخاطبان ایجاد می‌کند. از جمله اینکه اساساً مراجع و مقامات ذی‌ربط از قبیل وزیر ورزش و جوانان، رئیس دولت، سازمان بازرسی کل کشور، کمیسیون اصل نود مجلس، کمیسیون ورزش و جوانان مجلس، حراست وزارت ورزش، وزارت اطلاعات و... چه نقشی در این میانه بازی کرده‌اند یا باید بازی کنند؟ یا باید تا چه زمانی دل‌نگران باشنیم که تکلیف این همه پول‌هایی که از سفره اقتدار ضعیف یا مالیات‌های کلان تولیدکنندگان به فوتبالی کشور سرازیر شده، چه می‌شود؟

**یادداشت**  
**فوتبال ایران در حسرت یک دهداری**  
محسن افلاکی - در برنامه فوتبال برتر که نامزدهای ریاست فوتبال ایران دعوت‌شده بودند، بسیاری از بینندگان غیبت آقای تاج را به‌حساب حاشیه‌های ایشان گذاشتند و نقطه‌ضعف دانستند؛ اما حقیقت این بود که مهمان خاص برنامه، داماد حجله‌ای دیگر بود. در ساعات پایانی برنامه هم با اعلام مجری بابت خبر مهمی که به دستشان رسیده بود، بحث مهندسی شدن رای گیری قوت گرفت. جلسه شبانه هیات رئیسه فدراسیون و حاشیه‌های امسال تیم ملی و بازیکنان و نهایتاً انتخاب آقای تاج با وجود پرورنده سنگین مالی ویلموتس و بدهی سنگین تحمیلی به فوتبال ایران و در آخر استعفای سرمربی تیم ملی فوتسال، بهت و حیرت جماعت فوتبالی را به همراه داشت. در دولتی که از رئیس‌جمهور تا ریاست قضایی کشور همه از صنف قضات و قضاوت بودند و هستند، چگونه این انتخاب و تأیید صورت گرفت؟  
این سوال هنوز هم جوابی نداشته است و حتی حضور آقای ساکت در مقام عضو هیات رئیسه فدراسیون که هنوز مدرک تحصیلی‌اش را به گفته آقای اسدی ارائه نداده و لقب ابوالمشاغل را به او داده‌اند نیز تعجب و تشنج در میان فوتبالی‌ها ایجاد کرده است. اما چیزی که این روزها شاهدش هستیم ظاهراً قحطالرحال در فوتبال ایران است و آنچه از فوتبال و مفاخرش و کاربلدها در ذهن ما بوده و هست، خیالی بیش نبوده و ما تا کنون در رؤیاهایمان به سر بردایم و حقیقت با تمام تلخی‌هایش همین است که این روزها می‌بینیم.  
فدراسیون که هنوز مدرک تحصیلی‌اش را به گفته همگان یک جمله است و آن اینکه همدستان پروژه ویلموتس به تاج رای داده و وی را دوباره به قدرت رسانده‌اند، اینکه ایشان بااین‌همه حرف‌و‌حدیث به‌راحتی تأیید صلاحیت می‌شود، اینکه امسال را فولادی‌ها با کورکوشکنی در اعداد و ارقام و افراد به نیمه رسانده‌اند و خطاب قرار دادن صداسوما توسط آقای تاج که بیابید در کنار هم باشنیم، کنایه و اشاره به یکه‌تازی ایشان و دوستانش را دارد که با همه اتهامات، هنوز هم اشاره را به‌سوی مخاطب می‌گیرد. شعارهای انتخابیاتی ایشان در مورد پس گرفته شدن پول‌های بلوکه‌شده ایران از فیفا که قبلاً اعلام کرده بود این پول را می‌توان به‌جای طلب ویلموتس جایگزین کرد، اما مشخص است که این پول، پاداش بازیکنان و کادر فنی و فدراسیون فوتبال به‌عنوان صعود به جام جهانی است. به عبارتی حق‌الناس است و او نمی‌تواند آن را بابت بدهی‌های دوره مدیریت خود استفاده کند. در رابطه با ورود بانوان به ورزشگاه، این مثال نه به سینه میرشد ماجدی است و نه به سینه تاج. این مطالبه فیفا از ایران و یکی از موارد عدم تعلیق فوتبال ایران است و تأیید و تصویب این مسئله به عهده حاکمیت است نه مدیران این موج‌سواری قطعا از چشم عقابان دور نخواهد ماند. رفع مشکل مالی فدراسیون با کارهای اقتصادی که تا کنون جز جنگ‌و‌دعوی صداسوما و حق پخش و حق باشگاه‌ها و بدهی فدراسیون، عوایدی دیگر نداشته و ظاهراً این بنگاه فقط در حال فربه کردن مدیران است. در رابطه با انتخاب سرمربی جدید با تجدید قرارداد با اسکوپچ، هر حرکت آقای تاج با مهر ماهی، نیاز به تفکر علائله و رصد روزها و ماه‌های آینده را دارد تأیید اسکوپچ که خود اسیر دلال‌ها شده و این روزها بارها از عرش به فرش رسیده، سناریوی خود را می‌طلبد.  
حضور کپروش با توجه به کارنامه‌های شکست در نقش سرمربی تیم‌های بزرگ و مطرح آفریقایی و آمریکای جنوبی، فئسار رسانه‌ها و فوتبالی‌ها را در پی خواهد داشت. اگر چه ایشان هم در لیست دلال‌های فوتبال قرار دارد و اگر این اتفاق توأم با نتایج بد برای تیم ملی باشد، در آینده همه‌ی زیادی را دستگاه‌های مربوطه از طرف آرباب جرایم و مردم باید تحمل کنند و ریسک بالایی را می‌طلبد.  
زمره حضور برانکو با توجه به شخصیت ثابت و کاریزمایی که در ایران دارد و کارنامه‌های معقول در تیم ملی و باشگاهی و حتی حضور در کنار اسکوپچ که هم‌وطن اوست، انتخاب آرام و با سیاستی به نظر می‌رسد. گزینه‌های امیر قلعه‌نویی و حتی جواد نکونام، یک گزینه هیجانی است، اگر چه هر دو مربی قابل‌احترام همه اقشار هستند و کارنامه درخشانی دارند ولی با توجه به حکومت فولادی‌ها در فوتبال ایران، دور از نظر نمی‌رسد. فصل پیش با حضور آجرلو و میرشد ماجدی و حکم عجیب‌وغریب کمیته اخلاق، گل گهر از کورس رقابت بازماند و استقلال قهرمان شد و بسیاری امسال تیم سپاهان را از حالا قهرمان لیگ می‌دانند. سرمربی خوب و مدیریت فولادی‌ها در فوتبال، این شائبه را از هم‌اکنون به وجود آورده است. در این میان وحید هاشمیان با سابقه فوتبال در اروپا و مدارک عالی مربیگری، همیشه در سایه دلال‌ها و رانت‌خورها مانده و کمتر از او به‌عنوان یک کاربلد استفاده‌شده است. او می‌تواند هم خودش و هم با کمک بزرگان از زیر این سایه سنگین بیرون آمده و کمک مؤثری برای فوتبال ملی ایران باشد. در فوتبالی که کرکس‌ها به آن پنجه افکنده‌اند، نیاز به حضور یک دهداری احساس می‌شود.

**یادداشت**  
**شرط جذب سرمایه‌گذاری خارجی**  
عابد مشایخ - پس از شکست طرح دولت سابق برای جذب سرمایه‌گذاری خارجی در ازای مجوز اقامت در ایران، حال وزیر اقتصاد دولت فعلی نیز گفته هر خارجی به‌شرط سرمایه‌گذاری ۱۰۰ هزار دلاری در ایران، می‌تواند اقامت پنج‌ساله دریافت کند. باید تأکید کرد دوران شعارهای پوپولیستی گذشته است و فرصت برای این‌گونه شعارها وجود ندارد. در حال حاضر حجم نقدینگی به ۵۰۰۰ میلیارد تومان رسیده است و این خود قویاً تورم‌زاست؛ نوسان نرخ ارز و وجود تورم مزمن، افزایش ریسک اقتصادی را به همراه دارد. اگر تصمیم بر جذب سرمایه‌گذاری خارجی است، ابتدا باید نشان‌ها و شاخص‌های توسعه را در ساختار اقتصادی کشور مستقر کرد. یکی از استراتژی‌های معروف، استراتژی پولی است که باید مدیریت صحیح تخصیص منابع در بودجه سالانه برقرار شود. استراتژی دیگر استراتژی صنعتی شدن است که بر رشد صنعتی کشور تأکید دارد. دیگری استراتژی، اقتصاد باز است که نگاه به خارج دارد و به گسترش روابط خارجی تأکید ویژه‌ای دارد. اساساً اجرای مباحث توسعه اقتصادی در توسعه سیاسی متکی است؛ بنابراین قبل از ورود به عرصه توسعه اقتصادی ابتدا باید بحران‌های سیاست خارجی را مرتفع کرد. در عرصه داخلی متأسفانه شاهد نوسان نرخ ارز و وجود تورم مزمن هستیم که ریسک اقتصادی بالا را با خود به همراه دارد. تا زمانی که سیاست‌گذار با اتخاذ تصمیم‌گیری‌های پر خطا، انحصارات و بنگاه‌داری دولت در اقتصاد افزایش دهد و نیز با خلق پول در مقابل کاهش رشد ظرفیت‌های بخش واقعی و تولید، تظاهر به تلاش برای کاهش تورم کند، عملاً دست به ناپدید شدن بیشتر در تراز مالی و اقتصاد کشور می‌زند و بحران تورم مزمن را برای کشور به بار می‌آورد و ریسک اقتصادی کشور را افزون می‌کند. از دیگر سو، وجود ریسک سیاسی بالا و ریسک پایاپای اقتصادی بالا وجود دارد که دلیل اصلی آن مسئله پرورنده هسته‌ای و وجود تحریم‌های سخت است. در چنین شرایطی کاهش ریسک اقتصادی، تنها از طرق سیاسی میسر خواهد شد، چراکه در حال حاضر حل مسئله تورم مزمن و بحران‌های اقتصادی به سیاست گره‌خورده است و عملاً شاهد اقتصاد سیاسی هستیم. تنها راهکار خروج از بحران اقتصادی، حل مسئله پرورنده هسته‌ای در قالب مذاکره هوشمندانه دیپلماتیک است؛ در این گذار باید در برجام مؤکداً توفیق حاصل شود تا با حذف تحریم‌های ظالمانه و توسعه روابط خارجی، به کاهش ریسک سیاسی نائل شویم. در چنین شرایطی می‌توان در داخل اقدام به کاهش ریسک اقتصادی کرد؛ چراکه امکان حضور گسترده در بازارهای جهانی را پیدا خواهیم کرد و می‌توان به سلازمان تجارت جهانی پیوست و در این صورت ارزآوری به کشور افزون خواهد شد و خرید، های تک‌ها، تکنولوژی‌های پیشرفته و صنایع بالادستی تسهیل خواهد شد. همچنین دادوستدهای بانکی بین‌المللی (سوئیفت) برقرار و روابط بانکی با شبکه‌های بین‌المللی اقتصادی تثبیت خواهد شد. نهایتاً سیاست‌گذار باید با مدیریت دانش‌محور و دوراندیشانه تلاش کند تا با تراز نمودن سیستم‌های مالی و پایدار سازی سامانه‌های داخلی اقتصادی، دست به کاهش نرخ تورم زده، پایه پولی کشور را تقویت نماید، از سیستم‌های صنعتی و تولیدی کشور حمایت تضمینی همه‌جانبه کند و تورم مزمن را مرتفع کرده تا بتواند ریسک اقتصادی در کشور را کاهش داده و به جلب سرمایه‌گذاری خارجی و توسعه اقتصادی اقدام کند. در چنین شرایطی کشور در مسیر توسعه قرار گرفته و افزایش سهم صنعت در تولید و اشتغال‌زایی گسترده حاصل می‌شود و زمینه سرمایه‌گذاری پایدار مهیا می‌شود. بحث دیگری که می‌باید بر آن تمرکز کرد، امنیت سرمایه‌گذاری است. برای جذب سرمایه‌گذاری خارجی موفق باید امنیت سرمایه‌گذار را تأمین کرد. سرمایه‌گذار خارجی در کشورهای دارای اقتصاد توسعه‌محور تمایل به حضور دارد؛ با این اطمینان که ورود و خروج سرمایه او تضمین شود و نیز بهره‌وری سرمایه‌گذاری در حوزه صنعت، معدن، پتروشیمی و نیز پروژه‌های عمرانی تأمین شود. در این راستاروق اقتصاد، همسان‌سازی بهداشت، آموزش و پرورش و بیمه‌های مغانگی از مباحث امنیت رفاه اجتماعی است که باید برای رفاه حال مردم و نیز جلب نظر سرمایه‌گذار خارجی فراهم باشند. در چنین شرایطی توقع صادرات بر واردات حادث می‌شود و رشد اقتصادی حاصل خواهد شد. البته حضور گسترده بانوان در عرصه فعالیت‌های اقتصادی یکی از شاخصه‌های اساسی در عرصه توسعه است که به این مهم بیش‌ازپیش باید توجه نمود. توسعه کارآفرینی و مهارت‌آموزی بانوان باید در برنامه‌های توسعه اقتصادی قرار گرفته شود. نهایتاً جهت ترغیب سرمایه‌گذاری خارجی باید به توسعه صنعت توریسم و نیز نگاه همه‌جانبه به رفاه حال توریست پرداخت، چراکه کشور از ظرفیت‌های فوق‌العاده‌ای در عرصه صنعت توریسم برخوردار است و این پتانسیل بالقوه را باید با مدیریت توسعه‌محور، بالفعل کرد و آن را گسترش داد؛ این صنعت سهم به‌سزایی در ارزآوری کشور به عهده دارد.

**سرمقاله**  
**به اسم «مردم»**  
رضا صادقیان - کاربرد برخی کلیدواژه‌ها در سخنان سیاستمداران آن قدر گسترده و بعضاً متناقض است که مخاطب را برای فهم موضوع ارائه شد دچار سردرگمی می‌کند. بسامد واژه مردم یکی از آن کلمات است.  
کمیسیون مهار، اهل قدرت و مدیر ارشد دولتی و خصوصاً چهره‌های اقتصادی دولت را می‌توان سراغ گرفت که در گفتارهای مناسبی از کلمه مردم برای صورت‌بندی گفته‌هایش استفاده کنند. گویا در این گفته‌ها تلاش می‌کنند عبارت مردم را برای مردم که مخاطب اصلی گفته‌های آنان است شرح بدهند. به‌عنوان مثال به این گفته‌های نسبتاً تکراری دقت کنیم؛ «ما قرار است برای آسایش مردم کار کنیم، قرار شده سازمان برای حفاظت از دارایی‌های مردم تدبیری اندیشیده‌اند، به‌هیچ‌وقت قرار نیست بار مالی دولت روی شانه‌های مردم قرار بگیرد، مردم بابت کنترل بازار توسط دولت اطمینان خاطر داشته باشند و...» چنانچه به محتوای سخنان دقت نشود و هر کدام از کلیدواژه‌ها به‌صورت مجزا مورد تفکیک و بازخوانی قرار بگیرد؛ مانند واژه‌هایی چون بازار، مردم، کنترل و اطمینان، مخاطب متوجه می‌شود این‌گونه سخنان به ترتیبی از سوی مسئولان اجرایی برای توضیح وضاحت به مخاطبان ارائه می‌گردد تا چهره دولت نزد مردم بازسازی شود. در واقع دولت به‌عنوان سیاست‌گذار، کارگزار فعالیت‌های کلان اجرایی و ناظر اصلی در حال گریز از سیاست‌گذاری، اجرا و نظارت خودش است، اما این‌همه را در شاه‌واژه مردم مخفی می‌کند؛ به همین خاطر به شکلی سخن می‌گوید تا کم‌کاری‌ها، کاستی‌ها و حتی کمبودها برای مخاطب اصلی که همان مردم هستند باورپذیر شود. مشخص‌تر آنکه دولت به دلیل آنکه از سیاست‌های اشتباهش مطلع شده است در صدد ترمیم چهره‌ای دولت نزد مرد به‌گفتاردرمانی رجوع می‌کند. به‌عنوان مثال؛ طی تمام سال‌های گذشته و حتی امروز از نظر کارشناسان اقتصادی ارائه ارز با نرخ‌های متفاوت فرزند بی‌غیراز توزیع رانت، ایجاد شدن فساد و ویژه‌خواری متولد نشده است؛ اما آن سوی این سیاست دولت‌مردان ایستاده‌اند که با نگرش دیگر و بعضاً بسیار ساده‌سازی شده تلاش کرده‌اند نرخ‌های متفاوتی را در حوزه ارز دنبال کنند؛ بنابراین دولت در گام اول و خطاب به مردم می‌گوید که در راستای حمایت از اقشار آسیب‌پذیر و عموم مردم دولت تصمیم گرفته با تقسیم‌بندی منابع ارزی بیش از N میلیارد تومان را جهت تأمین کالا‌های اساسی را در بودجه پیش‌بینی کند. به عبارتی دولت با تعریف ردیف بودجه زمینه کمک به قشرهای کم‌درآمد ولی با نتایج ناخواسته رانت‌خواری را ایجاد می‌کند. پس از گذشت چند ماه و پس از مشخص شدن اجراءش این سیاست نادرست که بهره آن فقط به جیب رانت‌خواران رفته است، دولت تصمیم می‌گیرد این بودجه را به‌صورت نقدی در قالب پارانیه نقدی یا سید کالا به شهروندان بدهد. در این قسمت دولت‌مردان بدون اشاره به سیاست‌گذاری نادرست گذشته می‌گویند؛ از روز نخست تصمیم دولت به حمایت از قشرهای ضعیف جامعه بوده است و مردم ما به خادمان خودشان اعتماد کنند؛ به عبارت و تعبیری روشن‌تر؛ دولت در اینجا نقش ناجی، کمک غریق، قهرمان مردم و نجات‌دهنده را بازی می‌کند، در صورتی که خود دولت در تضعیف بیشتر نیازمندان و فربه کردن رانت‌جویان و رانت‌خواران بازی گردان و بازیگر اصلی بوده است. کلیدواژه مردم دقیقاً در جایی از سوی سیاستمداران مورد استفاده و تکرار قرار می‌گیرد که خود دولت‌مردان به دلیل ناتوانی، نداشتن فهم دقیق از مشکلات، ساده کردن رفع مشکلات بزرگ و ارائه وعده‌های نادرست به خود مردم زیان وارد کرده‌اند.